نیازواقعی انسان سپاسگذاری و ستایش خالق مبنی برداده های اومی باشد،تلاش کنید داده های خود را درک و فهم کنید ومراتب شکرگذاری را به انجام رسانید،چون شاکر باشید به داده های نوین تر دست پیدا خواهید نمود.

انسان ذاتاً و فطرتاً بدنبال آن است که اثری از خود را بجای گذارد و این حرکت نوعی ایمان ذاتی به روز معاد و رستاخیز است زیرا میداند که روزگاری نیازمند فعالیتهای امروز خود خواهد شد، واما انسان باید چشم بصیرت داشته باشد و بداند محصولات بدست آورده ی دنیائی با مرگ او همراهش نخواهند بود که روزگاری جوابگوی نیازمندی های او شوند.

انسان جویای کدام محصول باید باشد؟

با کمی دقت بر آثار ماندگار گذشتگان می توان سئوال خود را پاسخ گفت.

انسان باید محصولی بدست آورد که جاودان بوده و از آن به نیکی یاد کنند و همچنین راهنمائی مفید وموثر

باشد، بطورکلی تلاش انسان باید در جهت بدست آوردن محصولی حقیقی باشد نه محصولات رویائی، انسان باید حرکت های مثبت را انجام دهد و توانائی های لازم را در جهت انجام اعمال مثبت در وجود خود تقویت نماید ولی در همه حال فکراوبریافتن عملی مثبت باشد که حکم جاودانگی و ارزش بسیار بالای الهی را در برداشته باشد. برای دست یابی به محصولی بسیاراعلی باید حرکت های مفید زیادی را به انجام رساند.

مثلا: یک باغبان بایداول زمین مناسب بیابد،آن را آماده کند،جویای آب لازم باشد،آنگاه درختچه ها را به کاشت برده وعمری را صرف ونگهداری آنها نماید تا آنکه بالاخره به محصول که همانا میوه ها است دست پیدا کند. جسم انسان همان زمین خالی و بی محصول است که باید با کنترل زشتی ها آن را صاف وهموار نمود که همواری جسم انسان همان افتادگی می باشد،آب برای انسان حکم دانائی دارد و شخص باید مرتباً بردانش ومعرفت خود بیفزاید ودانش

تحصیل کرده را مورد عمل واقع کند،همراهی دانش با عمل همان حکم آب دادن زمین است که زمین را نرم کرده وآماده برای شخم وکشت وکار می نماید، بذری که درضمیرانسان به کاشت برده می شود همان صفت ها است ، ضمیرانسان جایگاه رشد ونمو صفت ها است پس هر نوع صفتی که کاشته شود آینده به محصول خواهد نشست،پس شخص باید خیلی مواظب باشد و با علم وآگاهی بداند که کدام صفت ها را در وجود خود به کاشت میبرد،دراین حالت شخص با همراهی نمودن با فعالان صفتهای منفی ،بداندکه زمین خود را بذرپاشی صفات منفی مینماید،پس به همین علت باید ازانسانهای منفی دوری کند ،همچنین شخص باید بداند که با همراهی انسانهای مثبت ضمیر خود را زیرکاشت صفات مثبت واقع کرده است، حال ضمیرکاشته شده نیاز به تغذیه دارد که اعمال و رفتارانسان حکم مواد لازم برای تغذیه صفات را دارد،اعمال مثبت تغذیه کننده ی صفات مثبت واعمال منفی تغذیه کننده ی صفات منفی،حال پس از مدت

زمانی محصول معلوم ومشخص خواهد شد که این محصول نهائی برای همگان هنگام قیامت کاملاً آشکارخواهد شد این است که انسان ذاتاً بدنبال شناخت محصول نهائی خود است، پس همگان بهره مند از زمینی مستعد وآماده کاشت هستند وتنها نیازحقیقی آنان نیازمندی به باغبانی کامل می باشد.

آیا محصـــول بیابان و یک باغ زیبا وکامل با هم برابراست؟

علت این همه تفاوت در محصولات چیست؟

آیا بیابان برای بالغ شدن نیست؟

کاملترین وبهترین باغبان خداوند یکتاســـت که قادر اســت زمین مرده را به انواع گیاهان وجانوران زنده احیاء کند وهمچنین قادراســت برترین باغ ها وجنگل ها را به بیابانی ســـوزان مبدل ســـازد، واما چون خداوند عادل است تمام این حرکت ها براساس قانون عدالت انجام خواهد پذیرفت شـــخص اگرمیخواهد سـرفراز شـود ومحصـول نهائی اومحصـولی بسـیار

ارزنده وخوشنود کننده باشد باید خود را تحت تعلیم خداوند قراردهد وخداوند تعلیمات خود را آموزش رسولان داد ورسولان باغبانان انسانها میباشند، رسولان احکام الهی را وضع نمودند وهرکه پیروی احکام الهی نماید وخداوند اورا تعلیم وآموزش خواهد داد اشخاص بدون درنظرگرفتن احکام الهی وبدون تفکروتعمق سازه هایی را برای خود میسازند که کلاً اشتباه است.

وآن هنگام که واقع حسابرسی می شوند بسیار شاکی ونالانند هرگزحاضرنیستند قبول نمایند سازه ای را که ساخته اند اشتباه است و باید آن را خراب نمایند.

انسان تنها زمینی است که مورد توجه خداوند است ، مخلوقات هرکدام جزئی از عظمت خداوند را به نمایش میگذارند درحالی که انسان می تواند قدرت خداوند را بیش از سایر مخلوقات به عرصه ی نمایش درآورد،ضمیرانسان ذاتاً بدنبال باردارشدن است وچون خالق انسانها را دوست دارد پس برای هرشخص عواملی را مهیا میکند که ضمیرپنهان

اورا باردار نماید، حال چون همگی عوامل بصورت دوگانه ومتضاد است شخص بهره مند ازعقل وهوش اســـت که کدام عامل را درضـــمیرپنهان خویش به کاشت برد.

آنگاه که شـــخصـــی عوامل مثبت را دروجود خود به کاشت برد بیشترمورد توجه خالق قرارخواهد گرفت ومورد تغذیه ی حقیقی واقع خواهد شـــد،واما چون شخص عوامل منفی را به کاشت وجود خود ببرد کم کم از خداوند دور شده وبه شیطان نزدیک می گردد، مرتباً وسوسه های ظاهربینی وظاهرسازی دراواوج گرفته ومرتباً اورا به سمت متحول شدن خواهد کشاند وتمام افکار واعمال اودرجهتی اســـت که مرتب وضـعیت ظاهری (اموال دنیا طلبی) خود را بهتر از قبل نماید وهرگزفکرنیازواقعی خود که همانا حفظ جان است را نمی کند، آنگاه پس از مدت زمان کوتاه عمرهنگام مرگ به ناگاه متوجه مســـیراشـــتباه خود خواهد شد انسان برای اینکه به یکباره غافلگیرنشود باید مســـیرزندگی خود را با مســـیر انبیاء واولیاء

خداوند مرتباً چک نماید و دریابد که آیا نوع زندگی اوبا آنان چقدرمتفاوت اســـت وتلاش کند تفاوتها را درجهت مثبت نمودن تا میتواند کاهش دهد،این بدانید هیچ سازه منفی پایدار نیست پس به دنبال ساختارهای منفی طول عمر خود را هدرندهید،آنگاه که ســـازه های منفی فکرشـــما را مشـــغول داشـــته وشـــما را ازسـتایش خالق و اجرای دِین نمودن نسـبت به خالق دور نگاه داشـته اسـت بدانید هیچ سـازه منفی از بین نخواهد رفت الّا آنکه آن را از پایه نابود کنید،تلاش کنید که سـازه های منفی را بشـناسـید وآنگاه جویای پایه واســاس آن باشـید وبرای نابودی پایه آنچه کرده اید عکس آن را به انجام رســانید،اموال دنیائی باعث می شـود شـخص طول عمر خود را صـرف ازدیاد ومحافظت از آنها را نمائید،پایه واساس این امرعلاقه مندی وطمع کاری شـخص نسـبت به اموال ظاهری اسـت،ازدارائی های خود در جهت خدمتگذاری های عمومی استفاده نمائید،انفاق عمومی باعث خواهد شد بهره وری مثبت شما بسیار افزوده گردد،هر کدام از

داشـته ها که شـما را مغروروومشـغول داشـته اسـت برای مـدت زمـانی خود را از آنهـا محروم کنیـد تـا بتوانید به حقیقتها دست پیدا کنید وسعی کنید تا زمانی به حقیقت دست پیدا نکرده اید این محرومیت را حفظ کنید،آنگاه که زبان آلوده به گویشـــهای منفی اســـت برای دســـت یابی به گویشـــهای مثبت باید خود را از گفتن محروم کرده وبه دنبال شـناخت گویشـهای مثبت حرکت نمود،آنگاه که شکم به دنبال خوشمزه خواریها اسـت باید گرسـنگی را سـرلوحه قرار داده وتا اینکه اَدب نشـــده ای مرتباً خود را تنبیه نمائی،اگر ابزار حرکتی شما را مغرور کرده (ماشین،دارائیها،...)خود را محروم کنیـد،اگر جرات انفـاق ازدارائیهـای خود ندارید حداقل خود را نیزاز بهره برداری آنها محروم کنید تا اینکه بدانید آنقدرهم که فکر لزوم آنها را می کنید لازم نیســتند،فعال باشــید ولی خواهان نباشــید وخواهندگی ها را برای اســتفاده عموم بخواهید نه منحصــراً برای خود، به هر نسـبت که خدمتگزاری نمائی خدمتت را خواهند کرد.